برخورد قاطع پلیس با شوتی‌ها

فرمانده کل انتظامی کشور از برخورد شدید پلیس با اخلالگران اقتصادی و شوتی‌ها خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار احمدرضا رادان، در جریان سفر به شهرکرد در جمع خبرنگاران استان، با اشاره به جانفشانی نیروهای انتظامی در مسیر حفظ امنیت اظهار کرد: امنیت مردم برای ما خط قرمز است و در برابر تهدیدهایی مانند قاچاق، ناامنی جاده‌ای و اقدامات شبکه‌های شوتی، هیچ مماشاتی نخواهیم داشت.

فرمانده کل انتظامی کشور با بیان اینکه حفظ امنیت عمومی اولویت بی‌قیدوشرط فراجاست، اظهار داشت: همکاران ما در جای‌جای کشور با روحیه‌ای جهادی و از خودگذشتگی، شبانه‌روز در حال تلاش برای تأمین آسایش و امنیت مردم هستند.

وی افزود: در سال گذشته، ۷۶ نفر از همکاران انتظامی ما به درجه رفیع شهادت نائل شدند و در سال قبل‌تر، این عدد به ۹۲ شهید می‌رسید. هر چند امسال کاهش نسبی در آمار شهدا داشته‌ایم، اما این خود گواهی است بر اینکه فراجا با تمام وجود، در میدان امنیت حاضر است و هر لحظه برای دفاع از مردم، جان خود را نثار می‌کند.

سردار رادان با اشاره به شهادت یکی از افسران شجاع انتظامی استان چهارمحال‌وبختیاری در روزهای اخیر تصریح کرد: خون این شهیدان، سند وفاداری ما به امنیت مردم است و تأکید می‌کنیم که تحت هیچ شرایطی از این مسیر عقب‌نشینی نخواهیم کرد.

فرمانده کل انتظامی کشور همچنین به پدیده نگران‌کننده شوتی‌ها اشاره کرد و گفت: این افراد با تخلفات سرعتی و قاچاق کالا و گاهی مواد مخدر، نه‌تنها اقتصاد کشور را دچار آسیب جدی می‌کنند، بلکه جان صدها نفر را در جاده‌ها به خطر می‌اندازند. سال گذشته بیش از ۵۰۰ نفر در اثر حوادث مرتبط با خودروهای شوتی جان خود را از دست داده‌اند که این آماری هشداردهنده است.

وی ادامه داد: برنامه ما برای مقابله با این پدیده، افزایش هزینه اقدامات مجرمانه برای این افراد است. در همین راستا، طرح‌هایی در مسیر تصویب نهایی در شورای عالی امنیت ملی قرار دارد تا علاوه بر توقیف‌های بلندمدت، اقدامات بازدارنده دیگری نیز در دستور کار قرار گیرد. همچنین، پیشنهادهایی برای تشدید جرائم و اصلاح قوانین مقابله با شوتی‌ها در حال پیگیری است.

سردار رادان خاطرنشان کرد: نیروی انتظامی در کنار مردم ایستاده و اجازه نخواهد داد عده‌ای اندک با به خطر انداختن امنیت جاده‌ها و معیشت مردم، آرامش جامعه را مختل کنند. امنیت مردم، خط قرمز ماست و با همکاری نهادهای مسئول، برخوردی قانونی، قاطع و مستمر با اخلالگران خواهیم داشت.

فرمانده کل انتظامی کشور در پایان تأکید کرد: پلیس با حفظ اقتدار و در چارچوب قانون، تلاش می‌کند تا همزمان با ارتقای امنیت، رضایتمندی و اعتماد عمومی را نیز تقویت کند. هر جا امنیت مردم تهدید شود، فراجا با تمام توان ورود خواهد کرد.

توضیحات پلیس در خصوص حادثه رانندگی حوالی میدان ونک

رئیس منطقه ۳ پلیس راهور تهران بزرگ که در حادثه تصادف با فرزند علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در میدان ونک دچار حادثه شده بود ماجرا را شرح داد.

سرهنگ خیشه در توضیح ماجرای تصادفش گفت: روز یک‌شنبه چهارم خردادماه ۱۴۰۴ در خیابان منتهی به ضلع غربی میدان ونک، یک‌دستگاه خودرو که از مسیر یک‌طرفه وارد میدان شده بود، از سوی من متوقف شد که در این اثنا به‌صورت غیرعمد با اینجانب برخورد و من مصدوم شدم. بلافاصله خودرو متوقف و اعمال قانون شد. برخلاف گفته‌ها، این خودروها نشده و به خاطر تخلف و ورود به مسیر یک‌طرفه و سانحه اعمال قانون و به پارکینگ منتقل شد و راننده آن نیز به کلانتری جهت سیر مراحل قانونی ارجاع و پرونده قضایی تشکیل شد.

سرهنگ خیشه همچنین گفت: پس از این اتفاق برای مداوا به بیمارستان منتقل شدم که خانواده راننده و شخص آقای علی نیکزاد بلافاصله در مرکز درمانی حضور یافتند و ضمن ابراز تأسف از اتفاق رخ داده از من دلجویی و بر انجام مراحل قانونی تأکید کردند. همچنین در همان ساعات اولیه سردار رادان، فرمانده کل انتظامی کشور با من و همسرم تماس گرفتند و جویای احوال شدند و صریحاً در خصوص پیگیری موضوع و اقدامات قانونی تأکید کردند. وی همچنین رئیس پلیس راهور تهران بزرگ را مأمور پیگیری موضوع تا مرحله آخر قرار دادند. در حال حاضر در محل کارم هستم و برخلاف گفته‌ها و شایعات، حادثه شدیدی رخ نداده و در صحت و سلامت هستم و بخش حقوقی فراجا پیگیر کارها و امور در این خصوص است.

مرگ قاتل ۸ ساعت پس از آزادی از زندان

■ **غلامرضا مسکنی**

عامل دو قتل که از اولیای‌دم‌ها رضایت گرفته‌بود، پس از ۱۹سال از زندان آزاد شد، اما وقتی به نزد خانواده‌اش بازگشت سکته و فوت کرد. متهم در دو حادثه جداگانه همسرش و مردی را که گمان می‌کرد با او ارتباط پنهانی دارد، به قتل رسانده‌بود که در یک قدمی چوبه دار از اولیای‌دم‌ها رضایت گرفته‌بود، اما هشت ساعت پس از آزادی فوت کرد.

یکی از روزهای پاییز سال ۸۵ مردی در شهر شیراز سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم‌شدن ناگهانی همسر جوانش به نام پروانه شکایت کرد.

وی گفت: «یک روز است که از همسرم بی‌خبرم و الان احتمال می‌دهم برای او اتفاقی رخ داده‌باشد. او بدون هماهنگی من از خانه بیرون نمی‌رفت، اما عصر روز گذشته وقتی از محل کارم به خانه برگشتم، خبری از همسرم نبود. ابتدا احتمال دادم برای خرید به بازار رفته‌است و چند ساعتی منتظرش ماندم، اما وقتی به خانه برنگشت، نگرانش شدم و برای پیدا کردن او به جست‌وجو پرداختم. به هر جایی که تصور می‌کردم همسرم به آنجا رفته باشد، سر زدم، اما ردی از همسرم پیدا نکردم. آنطور که فهمیدم دیروز همسرم از خانه بیرون رفته اما به خانه هیچ‌یک از دوستان و بستگان و حتی خانواده‌اش مراجعه نکرده و به طرز مرموزی گم شده‌است.»

■ **آخرین تماس**

با شکایت مرد جوان، مأموران تحقیقات خود را به دستور بازپرس پرونده برای پیدا کردن ردی از زن گمشده آغاز کردند، اما هیچ ردی از وی پیدا نکردند. مأموران پلیس در تحقیقات فنی دریافتند پروانه آخرین بار با مرد جوانی به نام هومن ارتباط تلفنی و پیامکی داشته‌است. پروانه به مرد جوان پیامک داده از زندگی با شوهرش خسته‌شده و با وی در بیرون از شهر قرار ملاقات می‌گذارد تا با هم از شهر بیرون بروند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت زن جوان از قبل هم به صورت مخفیانه ارتباط تلفنی و پیامکی با هومن داشته‌است و روز حادثه هم پس از تماس تلفنی و ارسال پیامک به طرز مشکوکی ناپدید می‌شود.

■ **فرضیه قتل هومن**

بدین ترتیب مأموران برای بررسی موضوع راهی خانه هومن شدند، اما وقتی به محل رسیدند با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند. آگهی ترحیم هومن روی در و دیوار محل زندگی‌اش چسبانده شده‌بود و بررسی‌ها حکایت از آن داشت وی همان روز در محلی که با پروانه قرار ملاقات داشته در تصادف با خودروی پرایدی جان باخته و راننده خودرو هم بدون گذاشتن هیچ ردی از خود، از محل فرار کرده‌است. ارتباط پنهانی هومن با زن جوان و مرگ مشکوک وی همزمان با ناپدید شدن پروانه احتمال قتل از سوی شوهر پروانه یا یکی از بستگانش برای مأموران مطرح شد. از سوی دیگر مأموران در ادامه بررسی‌ها فهمیدند شوهر زن گمشده به نام کیوان هم خودروی پراید دارد و روز حادثه هم در همان نزدیکی محل حادثه دیده شده‌است. با به دست آمدن این اطلاعات، فرضیه قتل قوت گرفت و مأموران کیوان را به عنوان مظنون بازداشت و برای تحقیق به اداره پلیس منتقل کردند.

■ **اعتراف به ۲ قتل**

متهم در بازجویی‌ها ابتدا جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد، به دو قتل اعتراف کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «من و همسرم چند سال قبل با هم ازدواج کردیم و زندگی خوبی داشتیم، اما کم‌کم با هم اختلاف پیدا کردیم. مدتی بود زنم همیشه از طلاق صحبت می‌کرد و از من می‌خواست به دادگاه بروم و او را طلاق دهم. درخواست او برای من خیلی عجیب بود، چون ما با هم اختلاف زیادی نداشتیم که تصمیم به جدایی بگیریم. از طرفی من خیلی به او سخت نمی‌گرفتم و او به راحتی به بیرون و محل کارش رفت و آمد داشت، اما خبر نداشتم که پروانه به من خیانت می‌کند.»

■ **تصادف ساختگی**

کیوان ادامه داد: «او هر روز و شب اصرار می‌کرد از من جدا شود و همین موضوع باعث شد به رفتارهای او مشکوک شوم. مدتی او را مخفیانه زیر نظر داشتم و فهمیدم با مردی ارتباط پنهانی دارد. شب حادثه وقتی خواب بود، تلفن همراهش را بررسی کردم و با پیامک‌های مشکوکی که برای همکارش هومن فرستاده‌بود، روبه‌رو شدم. باورم نمی‌شد که پروانه به من خیانت کرده‌باشد، اما پیامک‌های او گواه خیانتش بود. خیلی عصبانی شدم و همان شب او را در خواب خفه کردم و سپس جسدش را به بیابان‌های اطراف شهر بردم و دفن کردم. سپس به خانه برگشتم و با تلفن همراه همسرم پیامکی به هومن دادم و با او قرار ملاقات گذاشتم. می‌خواستم از همکارش انتقام سختی بگیرم، به همین‌خاطر ساعتی قبل از قرار به محل رفتم و در گوشه‌ای کمین کردم و به محض اینکه هومن سر قرار آمد، او را با خودرویم زیر گرفتم و از محل فرار کردم. پس از این به اداره پلیس رفتم و برای همسرم اعلام مفقودی کردم. می‌خواستم با صحنه‌سازی مأموران را فریب دهم و ردی از خودم بجای نگذارم، اما پلیس دستم را رو کرد.»

■ **حکم دو بار قصاص**

پس از اعتراف قاتل، مأموران جسد همسر وی را کشف کردند و متهم نیز با بازسازی صحنه‌های قتل و تکمیل تحقیقات راهی زندان شد. مدتی بعد قاتل به اتهام دو قتل پای میز محاکمه حاضر شد و با درخواست دو اولیای‌دم، قضات دادگاه او را به دو بار قصاص محکوم کردند.

حکم قصاص متهم پس از اعتراض از سوی وکیلش در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور تأیید شد و پرونده برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای محل رفت. بدین ترتیب نفس‌های قاتل به شماره افتاد تا اینکه چند سال قبل وی برای اولین‌بار برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت. متهم آن روز با التماس و گریه و میانجیگری تیم صلح و سازش مهلت گرفت و به سلولش بازگشت.

■ **بخشش اول**

متهم وقتی برای دومین بار پای چوبه دار حاضر شد، از اولیای دم همسرش با پرداخت دیه رضایت گرفت، اما اولیای دم هومن او را نبخشیدند و فقط به او مهلت دادند. بدین ترتیب متهم برای دومین‌بار هم از چوبه دار فاصله گرفت و به سلولش منتقل شد.

■ **بخشش دوم**

متهم همچنان در زندان بلاتکلیف بود و اولیای‌دم هومن هم حکم قصاص را اجرا نمی‌کردند تا اینکه وی پس از گذشت ۱۹ سال از زندانی‌اش نامه‌ای به رئیس قوت قضائیه نوشت و از گرفتاری‌ها و مشکلاتی که او در این سال‌های بلاتکلیفی با آن درگیر بود، گفت و درخواست کرد سرنوشتش تعیین تکلیف شود. با درخواست کیوان، پرونده مرد زندانی دوباره به جریان افتاد تا اینکه خانواده هومن به شعبه اجرای احکام رفتند و متهم را به شرط پرداخت دیه بخشیدند. برادران و خواهران مقتول اعلام کردند با توجه به اینکه پدر و مادرشان فوت کرده‌اند، آنها تصمیم گرفته‌اند با گرفتن دیه متهم را ببخشند و دیه را برای شادی روح برادرشان صرف امور خیریه کنند.

■ **مرگ پس از آزادی**

بدین ترتیب با اعلام رضایت اولیای‌دم هومن، قاتل از زندان آزاد شد و نزد خانواده‌اش رفت. اعضای خانواده کیوان با آزادی فرزندشان خیلی خوشحال شدند، اما خوشحالی و شادی آنها خیلی دوام نداشت. قاتل هشت ساعت پس از آزادی از زندان، از شدت خوشحالی و شادی زیاد در کمال ناباوری در مقابل چشمان خانواده‌اش سکته و فوت کرد. بدین ترتیب پرونده متهم که در دو حادثه جداگانه مرتکب دو قتل شده‌بود، پس از گذشت ۱۹ سال از حادثه‌ها، زمانی برای همیشه بسته شد که چند ساعت قبل از زندان آزاد شده‌بود.

شکایت تراجنسیتی راز جراحی‌های غیرقانونی پزشک مرده را برملا کرد

■ **غلامرضا مسکنی**

شکایت یک تراجنسیتی علیه پزشکی که در یکی از بیمارستان‌های تهران جراحی‌های غیرقانونی انجام می‌داد، سبب شد مأموران پلیس با کشف عمل‌های مشابه متوجه شوند پزشک متخلف مدتی قبل به دلیل کهولت سن فوت شده است. به دستور بازپرس دادسرای جرائم پزشکی، تحقیق از دستیار وی و مدیریت بیمارستان جریان دارد.

چندی قبل فردی به دادسرای ویژه جرائم پزشکی رفت و گفت مدتی قبل پزشکی برای او عمل تغییر جنسیت انجام داده و از آن زمان به بعد با مشکلات و بیماری‌های زیادی روبه‌رو شده است و از آن پزشک شکایت دارد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «من بیماری مادرزادی تراجنسیتی داشتم، اما تا دوران کودکی خیلی توجهی به آن نداشتم و برایم اهمیتی نداشت. وقتی بزرگ‌تر شدم، متوجه بیماری‌ام شدم و فهمیدم نام بیماری من تراجنسیتی است. از آن زمان به بعد مشکلاتم شروع شد. هر روز که بزرگ‌تر می‌شدم این بیماری مرا بیشتر آزار می‌داد و از طرفی هم فهمیده بودم افرادی که به این بیماری دچار هستند برای تغییر جنسیت در بیمارستان‌ها عمل می‌کنند. از این‌رو تصمیم گرفتم من هم با عمل جراحی تغییر جنسیت بدهم، اما بعداً فهمیدم برای گرفتن مجوز این عمل باید مراحل زیادی را طی کنم.»

■ **شرایط سخت**

وی ادامه داد: «وقتی تحقیق کردم، متوجه شدم مراحل آن خیلی پیچیده و زمانبر است، چراکه ابتدا باید به دادگاه خانواده مراجعه می‌کردم و پس از رضایت خانواده‌ام برای انجام آزمایش‌های لازم، به پزشکی قانونی و سپس به تیم روانشناسی می‌رفتم و بعد از تأیید این مراحل به پزشکی برای عمل تغییر جنسیت معرفی می‌شدم. خانواده‌ام مخالف بودند و به نظرم آمد که طی کردن این مراحل زمانبر است تا اینکه از طریق دوستانم با پزشکی در یکی از بیمارستان‌های تهران آشنا شدم که به صورت غیرقانونی عمل تغییر جنسیت انجام می‌داد. دوستانم که مرا معرفی کرده بودند هم مشکل من را داشتند و قرار شد با پرداخت مبلغ زیادی پزشک عمل را انجام دهد. روز عمل در بیمارستان بستری شدم و پزشک هم جنسیت مرا از مرد به زن تغییر داد، اما بعد از آن با مشکلات زیادی روبه‌رو شدم. تصور می‌کردم بعد از عمل زندگی‌ام شیرین شود، اما بعداً فهمیدم پزشک جراح در این عمل تخصص نداشته و عمل او آسیب‌های زیادی به من زده است. پس از این عمل دچار خونریزی شدم و به روده‌هایم آسیب وارد شد و الان که مدتی از عمل گذشته، بیماری‌های دیگری نیز گریبانگیرم شده است، به همین دلیل تصمیم گرفتم برای شکایت از پزشک جراح به دادسرا بیایم.»

■ **فوت پزشک**

با شکایت این فرد، پرونده به دستور قاضی مهدی صانعی، بازپرس دادسرای ویژه جرائم پزشکی برای بررسی در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت. بررسی‌ها و گفته‌های شاکی حکایت از آن داشت علاوه بر این بیمار، ۹ ترنس دیگر هم که برای عمل جراحی تغییر جنسیت از سوی این پزشک مورد عمل جراحی قرار گرفته‌اند دچار بیماری شده‌اند، اما به خاطر اینکه عمل‌های آنها غیرقانونی و بدون اجازه خانواده‌هایشان بوده برای شکایت به دادسرا مراجعه نکرده‌اند. از سوی دیگر مشخص شد این پزشک جراح که تخصصی در زمینه تغییر جنسیت نداشته، تمامی عمل‌ها را با پزشک دیگری که دستیار او بوده در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به صورت غیرقانونی انجام می‌داده است. این پزشک برای اینکه ردی از عمل‌های غیرقانونی خود به جا نگذارد برای تمامی افرادی که برای تغییر جنسیت به آن بیمارستان مراجعه می‌کردند، پرونده عمل جراحی فتق تشکیل می‌داد. در ادامه بررسی‌ها، مأموران دریافتند پزشک متخلف مدتی قبل بر اثر کهولت سن فوت کرده است.

■ **ادامه تحقیقات**

با اعلام فوت پزشک متخلف، پرونده شاکی برای بررسی میزان آسیب‌های وارده حین عمل و تعیین میزان دیه به پزشکی قانونی فرستاده شد. بازپرس پرونده اعلام کرد پس از اعلام نظریه پزشکی قانونی دستیار پزشک متخلف برای بازجویی و تحقیق به دادسرا احضار می‌شود و تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

۳ کشته در تصادف پراید با تریلی

برخورد سواری پراید با یک دستگاه تریلی در جاده سلفچگان به ساوه سه کشته برجای گذاشت.

به گزارش ایسنا، صبح روز جمعه ۹ خردادماه تصادف خونینی در کیلومتر ۱۹ محور جاده قدیم سلفچگان به ساوه به مرکز اورژانس اعلام شد.

با اعلام این خبر، عوامل اورژانس با یک فروند بالگرد به محل اعزام شدند که مشاهده کردند یک دستگاه تریلی و یک خودروی پراید با هم برخورد کرده‌اند.

متأسفانه در این حادثه، مردی ۴۰ ساله، زنی ۳۵ ساله و یک کودک ۵ ساله جان خود را از دست دادند و دو نفر هم مصدوم شدند.

تتلو در بیمارستان بستری شد

امیر حسین مقصود لو، معروف به تتلو بر اثر مسمومیت دارویی از زندان به بیمارستان منتقل و بستری شد. حال عمومی این متهم مساعد اعلام شده‌است.

به گزارش میزان، در پی بروز مسمومیت برای امیر حسین مقصودلو، ملقب به تتلو، وی به یکی از مراکز درمانی تهران منتقل شد و شرایطش تحت‌نظر پزشکان متخصص قرار گرفت.

با درمان‌های تخصصی صورت گرفته و رسیدگی به موقع، شرایط تتلو تحت کنترل و حال عمومی وی مساعد است.

تتلو خواننده پرحاشیه، آذرماه دو سال قبل، وقتی از ترکیه به ایران برگشت در مرز بازرگان بازداشت شد و پرونده‌های او در نوبت رسیدگی قرار گرفت. از جمله اتهام‌های تتلو، تشویق به فساد بود که او در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محاکمه و به ۱۰ سال حبس محکوم شد. این خواننده در مهم‌ترین پرونده‌اش با اتهام سب‌النبی مواجه بود و به همین اتهام نیز به اعدام محکوم شد.

این متهم در حالی با حکم اعدام روبه‌رو است که چندی قبل با نوشتن توبه‌نامه‌ای قرار است حکم او دوباره مورد بررسی قرار گیرد.

قاتل فرزند در ایستگاه محاکمه

■ **آرمین بینا**

مردی که متهم است پسر معتادش را در دفاع از جان دخترش به قتل رسانده به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

۱۴ خردادماه ۱۴۰۳، کارکنان بیمارستانی در تهران به مأموران پلیس خبر دادند پسر جوان زخمی که برای درمان به بیمارستان منتقل شده بر اثر شدت جراحات فوت کرده است. با اعلام این خبر، به سرعت تیمی از مأموران راهی بیمارستان و در آنجا با جسد پسر جوانی به نام بهرام روبه‌رو شدند که با چند ضربه چاقو به قتل رسیده بود. لحظاتی بعد تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی همراه بازپرس ویژه قتل در بیمارستان تحقیقات خود را درباره قتل پسر جوان آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل اعضای خانواده‌ای پسر زخمی‌شان را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند و برای نجات جانش درخواست کمک می‌کنند، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه‌ای نمی‌دهد و جوان زخمی بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل فوت می‌کند.

■ **درگیری خانوادگی**

از سوی دیگر تیم جنایی در تحقیقات بعدی دریافتند مقتول روز قبل از حادثه با مادر و خواهر بزرگ‌ترش درگیر شده و خانواده او هم حادثه را به پلیس گزارش داده‌اند، اما وقتی مأموران برای بررسی موضوع به محل می‌رسند پسر جوان از محل فرار می‌کند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد مقتول معتاد به موادمخدر بوده و همیشه برای تأمین هزینه موادش با خانواده درگیری داشته، به‌طوری که همسایه‌ها و اهالی محل بارها شاهد درگیری و مشاجره او و خانواده‌اش بوده‌اند. بنابراین مأموران احتمال دادند مقتول در درگیری با یکی از اعضای خانواده‌اش به قتل رسیده است، به همین دلیل برای بررسی حادثه به محل زندگی وی رفتند. در بررسی‌ها معلوم شد محل حادثه خانه سه‌طبقه‌ای است که در طبقه اول مقتول همراه پدر و مادرش زندگی می‌کرده و در طبقه دوم یکی از خواهرانش و در طبقه سوم هم خواهر بزرگ‌ترش همراه شوهرش زندگی می‌کند.

■ **اظهارات خواهر بزرگ**

مأموران در بررسی محل حادثه با آثار خون در طبقه سوم خانه مسکونی روبه‌رو شدند، به همین دلیل در نخستین گام از خواهر مقتول که خون‌ها در محل زندگی او کشف شده بود، تحقیق کردند.

وی گفت: «برادرم معتاد به موادمخدر بود و همیشه برای گرفتن پول با ما درگیر می‌شد. صبح روز حادثه برادرم با مادرم برای گرفتن پول درگیر شد، اما پدرم در خانه نبود. من با شنیدن صدای درگیری آنها از طبقه سوم به خانه مادرم رفتم و تلاش کردم مانع درگیری آنها شوم، اما برادرم دست‌بردار نبود و من هم با پلیس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. برادرم وقتی متوجه شد به پلیس زنگ زده‌ام از خانه فرار کرد، اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد.»

وی ادامه داد: «شب در خانه بودم که برادرم به خانه‌ام آمد و مدام در را با دستش می‌کوبید. وقتی در را باز کردم او به زور وارد خانه‌ام شد و در حالی که در یک دستش چاقو و در دست دیگرش گوشتکوب بود به سمت من حمله کرد. او می‌خواست از من انتقام بگیرد و مدام فریاد می‌زد چرا صبح به پلیس زنگ زدم و می‌گفت مرا می‌کشد. با دیدن این صحنه شروع به فریاد و از پدر و مادرم درخواست کمک کردم. برادرم تصمیم داشت به من آسیب برساند و به طرفم حمله کرد که پدرم با شنیدن صدای فریادم به طبقه سوم آمد. پدرم وقتی دید جانم در خطر است با چاقویی که همراه داشت چند ضربه به بهرام زد. برادرم خونین روی زمین افتاد و ما هم بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردیم، اما متأسفانه فوت کرد. اگر آن شب پدرم به کمک من نیامده بود ممکن بود الان من به دست برادرم به قتل رسیده باشم و پدرم برای نجات جان من بود که به برادرم ضربه زد.»

■ **اعتراف**

با اظهارات زن جوان، مأموران پدر او را به اتهام قتل پسرش بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل پسرش اعتراف کرد. وی گفت: «بهرام معتاد به موادمخدر بود و من و اعضای خانواده‌ام بارها او را در کمپ ترک اعتیاد بستری کردیم، اما پس از اینکه از کمپ بیرون می‌آمد دوباره به سراغ مواد می‌رفت و معتاد می‌شد. هر چقدر تلاش کردیم فایده‌ای نداشت، از طرفی هم او هر روز با من یا مادر و خواهرانش برای گرفتن پول درگیر می‌شد. کارها و رفتارهایش ما را خسته کرده بود و کاری هم از دستمان ساخته نبود تا اینکه شب حادثه فریاد کمک‌خواهی دخترم را از طبقه سوم شنیدم. سراسیمه به طبقه سوم رفتم و دیدم بهرام در یک دستش چاقو و در دست دیگرش گوشتکوب دارد و می‌خواهد به دخترم ضربه بزند. من برای اینکه دخترم را نجات بدهم با چاقویی که در دست داشتم، سه ضربه به بهرام زدم، اما قصد قتل او را نداشتم. پس از حادثه هم او را به بیمارستان رساندیم، اما متأسفانه فوت کرد.»

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه قتل راهی زندان شد. قاتل که مراحل تحقیقات پرونده‌اش تکمیل شده به زودی در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران به اتهام قتل پسر معتادش محاکمه می‌شود.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای میثم مختارزاده سرستی به وکالت از خانم مریم قاسم زاده کشتلی با ارائه ۲ برگ استشهادیه المثنی که در دفترخانه اسناد رسمی ۶۶ بابل تصدیق امضاء شده و طی درخواست ۱۴۰۴۶۲۶۵۵۳۱۴۰۰۰۰۲۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ اعلام نمودند، که ششدانگ پلاک ۱۰۵۷ فرعی از ۳- اصلی بخش شش ثبت بابل ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۰۰۰۴۰۱۲۸۶۲ به نام ایشان ثبت و سند صادر گردیده بود در اثر جابجایی اعلام مفقودی نموده اند، لذا در اجرای ماده ۱۲۰ - اصلاحی آئین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می گردد ، چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف مدت ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در غیر این صورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود ، سریال مفقودی ۶۲۱۸۳۲ سری ب ۹۵ می باشد . ضمنا برابر اسناد ۶۶۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ و ۶۵۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ و ۸۷۱۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ دفترخانه ۲۸۲ گتاب در رهن بانک ملی می باشد.

تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۳/۱۰
شناسه آگهی: ۱۹۳۴۳۵۰
سید مهدی حسینی کریمی – رییس اداره ثبت اسناد و املاک بابل